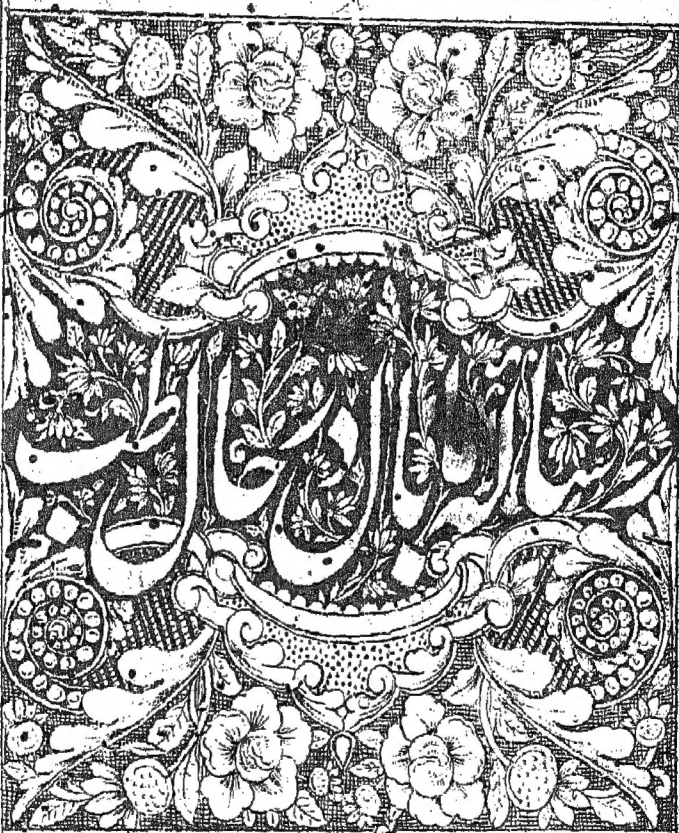


در بیان سیرت و مناقب
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب



مطبع محمد علی مصطفیٰ طبع
در شهر قزوین مصطفیٰ خان

این کتاب را در کتابخانه
 مکتب عالی اسلامی
 تهران در روز ۱۳۰۲
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۹۵۲۲

CHECKED-290

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE9522

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْقَرِيبِ بِرَحْمَتِهِ ۖ وَالْبَعْدُ بَعْدَهُ ۖ وَ
 الصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّهِ الْأَمِيِّ إِلَى تَوْحِيدِهِ ۖ وَالنَّعَادُ فِي لِقَائِهِ
 وَتَحْيَاةٍ ۖ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ الْمُنْتَدِينَ بِأَوْصَالِهِ وَأَدْبَارِهِ
 أَمَّا بَعْدُ فَعَبْدٌ غَائِلٌ فِي أَصْغَرِ خَسِينِ بْنِ غَلَامِ غَوْثِ أَحْسَنِ اللَّهِ حَالَهُمَا
 وَجَعَلَ إِلَى تَحْقِيقِ مَالِكِهِمَا ۖ نَوَافِدُ وَهَوْلِ طَلَبِهِ أَزْخَمِ حُلُومِ غَرِيبِهِ
 وَوَهْنِ وَمُطْلُشَانِ ۖ رَاقِئَاتِ فَنُونِ عَجِيبِهِ فَوَيْسَتْ لَهُ رَسَائِلُ جَنْدِ وَلِيهِ بِرَحْمَتِهِ
 أَسْتَبْرَأُ مِنْهُ وَبِغَيْرِهِ ۖ قَدَرُ وَهْنِ وَرَيْنِ دِيَارِ حُكْمِ كَافِرٍ تَوَسَّأَ أَمْرَهُ
 أَعْدِي بَرِيَانِ بَارِسِ كَيْسَلِ سَحَابِ مَقَرِّهِ مَبْنُودِ كَمَلِ بَوَاهِرِ وَبِدَةِ تَحْيَاةٍ سَازِ
 الْأَجْرِمِ رَسَالَةِ ارْتِطَاطِ طَالِسِ فُلُوسِ رِيَاكِ دَرِزْبَانِ نَوَانِي سَوَالَتِي جَنْدِ
 عِلْمِ طَبِيعِي وَطَبِيعِ اسْتِوْجِبَةِ آنِ رَسَالَةِ مَوْسُومِ بَابَالِ وَرِيسَانِ عَزَمَتِي

این کتاب را در کتابخانه
 مکتب عالی اسلامی
 تهران در روز ۱۳۰۲
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۹۵۲۲
 این کتاب را در کتابخانه
 مکتب عالی اسلامی
 تهران در روز ۱۳۰۲
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۹۵۲۲
 این کتاب را در کتابخانه
 مکتب عالی اسلامی
 تهران در روز ۱۳۰۲
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۹۵۲۲

این کتاب را در کتابخانه
 مکتب عالی اسلامی
 تهران در روز ۱۳۰۲
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۹۵۲۲

روح زیاده و انطف محضانی تراست بنا برین اولافساد و فساد است

در چشم سوال خدایتین وقت منتهی است و سبک میشود

جواب داده و اعصاب که از آنها روح منقذ میگردد و دست نوشت

متخلص و سبک بیرون پس اینها را مععلق اند نیز متخلص و سبک

سوال چار اوقات ہوتے ہیں صبح می کرد و جواب اور عینہ می صبح

ما و خودی که شکوهی از آب ممتلئ است به دست آب می‌خورد و غلظت

آلی که مستقر می‌نوشد و در محاربه که استیلا حاجت است نافرمانی کرد

بر مجرای طبعی بلکه جانی که ضرورت آب نیست متبر شعری اندک است

اعطش عرض می باشد چنانکه شده است سوالی است که صاحب شش بعد

نپ چرا محمد میگرد جواب بسبب انصاف طوابع فضلیه بر اعضا شایخ

عاصر میکرو و حرارت تبخیر آن رطوبات می نماید ازین رو میجویم

یاری و سپاه در می فرستاده چراغ اراض می شود جواب حرار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

وہ جو اس کے ساتھ ہیں وہ بھی اس کے ساتھ ہیں۔

دست بند می شود چون مثانه خالی شد منقبض و سیر و کشاده می گردد

۲۰
مستطیل

مجلس شورای اسلامی

۱۱۱۱

روان شنیدن

سید محمد علی

2

مستقیم است

2

کتابخانه و موزه سینه

که در این مرفعی نیست

برون

منه

مجلس

منه

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از راه مشابه بسوی خارج می آید سوال ۱۰ موقع بهیق امین خداست
سوزن چراغ

من سبب خلط می کند
خون هم سبیدی او حلول می کند
ب جی به بعد جمی باشد چراغ است جواب استخانی که بعد جمی
بود از یونیت است و غیر مضی است که صلاخ پذیر نیست خون پیوست
پیران سوال زخمهای مفصل چراغ و مندرج میشوند جواب
اند مال از گوشت می شود و حجم در مفصل کم است و نیز در مفصل عصب
و غضاریت استخوان اند پس تا وقتی که آنها حرکت کنند اتصالات مفصل
صورت نمی بندد و لاخر هم مندرج نمی شوند سوال کسی که درد باغ یا عصب
او صدمه رسد چراغ با جواب می کند جواب معده سبب مشارکت
عصب می آید می شود سوال چراغ مردان از جماع ضعیف می شوند
بر خلاف زنان جواب مردان را سبب جماع استفرغ داده
ب ضرورت می شود و زنان را بضرورت بلکه خود را دوت ماده مقتضی
استفرغ می باشد سوال سبب نیم صیت جواب بخارات لطیف
که از بخار متضاعد میشوند آب گردیده باز می آیند سوال چراغ اسفل
اکثر اهل چشم را می باشد جواب رطوبتی که در اجسام آنها است
سبب شدت حرارت شمس بسوی فوق منجذب میشود لاخر هم اسفل

چشم را در صورتی که از گرمی بخار متضاعد می شود و بخار متضاعد می شود و بخار متضاعد می شود

در صورتی که از گرمی بخار متضاعد می شود و بخار متضاعد می شود و بخار متضاعد می شود

ایشان لاع^{۱۱} ۱۱ ح از ناره^{۱۲} را شهوت جماع در سرما
روان راه

سبب نسا و مساات سبب
خارجی و در گرا حرارت غریزی می شود و سبب
می آید و آلات تناسل مردان خارج اند ازین سبب گرا خواست جماع
دارند و آلات تناسل زنان در داخل اند ازین جهت در سرما خواست جماع
میکنند سوالی برت با وجود برودت چرا می خورد جواب برت سبب
افراط برودت قوی آفاسدی سازد سوال کسیکه اختلاط ذمین داشته
باشد بنض او چرا صغیر می شود و کسیکه علت شهر داشته باشد بنض او
عظیم می گردد جواب اختلاط ذمین سبب قضا با سودا است این
اختلاط شریانی اصلت بالین میکند و شریان صلب از انبساط
عظیم قاصر است و سهر می شود مگر از بلغم و بلغم سبب رطوبت خود سهر
را ملائم و ستر می میکند و این معنی موجب انبساط عظیم است و هم سهر
در قفس داغ می باشد و از نشان او تعدا است و اختلاط ذمین اگر سبب
ورم اغشیه عارض می گردد لهذا سترم تعدا است و تعدا موجب
صلابت و غرض است سوال کسیکه ران او مقطوع شود چرا
گلایه ستوی میشود و گاهی فی جواب در عمق سیرین باطلی است

سبب نسا و مساات سبب

سبب نسا و مساات سبب

ط

میباشد سوال بعد خوردن لقمه کلان چرا یکبار عرض می شود جواب
در حالت بلع هوا از خارج بر لطافت اول نخدر می گردد هر گاه
در معده نارس خود هوا میل بکند خود نموده بالا بر آمدن می خواهد و در
تنی باید بسبب کلالی لقمه پس از بلعش می نماید و او را مانند لیکن
نمی شود و این معنی مجرب میگردد سوال که اگر از جنس نفس جاذب می گردد و جواب
نفس چون جذب شد در قلب است حرارت خواهد گردید و این معنی موجب
سخنوت معده خواهد شد پس بسبب که یک زائل خواهد شد سوال
چرا آب چاه در سبک گرم و در کرم سبک می باشد جواب بسبب
برودت سبک حرارت گر خفته یعنی می رسد و در کرم سبک می باشد
میل کند و ثقیل آن ناپدید می گردد سوال چون بر اطراف از برودت
خارجیه باشد وقت رسیدن بگرمی آتش چرا متاخر می میشود جواب
در زمانه متصل سوختن مختلف بنمیرسد چنانکه بعضی از حرارت بار و بعضی
ایزوا خارج می رسد و اختلاف مزاج موجب وجع و اید است سوال
در هیچ حالت خاصه در هیچ مزاجی وجع محسوس نمیشود جواب چون
انگشتان را بعد شدت برودت از آتش گرم می کنند پس وجع بسبب
تفرق اجزای میشود پس بعضی اجزا یعنی جوار منقبض میشوند
بعضی اجزا یعنی بار و منقبض میگردند و در بعضی درشتی لین که در
بعضی اجزا

سوال در کرم از دانه های بر می آید

سوال در علت تشنگی در کرم

منفصل شود کم است از خش و جمع که بسوی شمی صلب مثل ناخن و غیره
 نیز سوال چرا بعضی در ماه ۱۱ از خوردن فلفل کهک عارض
 میگردد و بعضی را عارض نمیشود جواب معده حسن نحاس
 حار می باشد پس حرارت فلفل بخوان آن حرارت می کند پس طبیعت
 از دفع آن قاصر میشود و لاجرم مورت کهک می گردد و بعضی
 مملو از فضلات بلغمیه است پس آنرا از فلفل ایندانی رسد سوال چرا
 بعضی از نباتات در کربا و بعضی در سبوا و جنگلی نباتات در ربیع پیدا میشوند
 جواب غذای نباتات در اسافل زمین و در اعالی هوا است و نباتات
 که غلیظ و یا بس باشند غذای او نیز غلیظ و یا کمین میباشد و ظاهر که در
 گرمای زمین مرطوب غلیظ و یا بس میگردد و لاجرم این قسم نباتات در
 گرمای زمین و نباتات که الطف و آرطب اند غذای آن هم آرطب
 الطف است و در موسم سرما زمین و هوا سرد و الطف و آرطب است
 لهذا در سرما اینچنین نباتات اکثری میشوند و در ربیع جمیع نباتات
 می رویند چرا که هوا رطوبت و زمین معتدل و حرارت و برودت است
 لاجرم نباتات هر قسم خصوصاً معتدله در آن زمان میرویند
 ثُمَّ الْكِتَابُ بِعَوْنِ الْمَلِکِ الْوَهَّابِ وَالْمُجْمُوعُ رَدِّ الْأَرْبَابِ
 أَنْ يَكُونَ هَذِهِ الْوَحْفَةُ مَجْمُوعًا عِنْدَ أُولِي الْأَلْبَابِ وَمَنْ يَتَّقِ كُلَّ عَلَى

تمام شد این
 کتاب بلاد
 بادشاه پند
 امید از خدای
 خداوند علان
 آنست که شایسته
 این مقصود
 باشد و صاحب
 عقل و کسب
 کار خود را بآورد

اللَّهُ هُوَ حَسْبُهُ وَفِي اللَّهِ أَمَانٌ لِّمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

اتنی سخت قدسی آیات

یہ میرا حقیقی اصحابہ الراضیہ ہیں

میکویدینه سزایا عسکریان محمد مصطفی خان آرد حاجی محمد و شرف خان زوجه الله و سزایا

فی جواب ہر سوال و جواب علیہ انفاذات جامع معقبول و منقول جاویں

فروج و اصول قبده حکما روزگانه و زبده الطبای اعصابه مولوی حکیم

اصغر بن حسن الله آله في النشأته من معن مياض خاطر عاشره بان که در باب

بعضی از اقمه کثر عجیب و غریب و در سالی می بود و بیشتر درین خصوص محمد

تمام و مبا الغه بالا کلام میفرمودند و در مطبع مصطفی واقع بیت السلطنه

و در روز دوشنبه یازدهم ماه جمادی الاول حضرت بزرگواران در این شهر

[illegible]

مبینه در مثال و از جواب اند

شده در فکر یافت گفتم فی الجمله

قطعه تاريخ و غير الزاد عبد الرحمن خان ذاب الله حلاوة كتابه في الزمان

این چند سوال را جوابش	بشد طبع که نافع طبیب است
-----------------------	--------------------------

تاریخ زندیه روی امراض

خداي تعالی
پس خدای
است اورا
و بهر کج
آزادی
تین است
که عجز به
ثابت است
مردای را که
پرو و دلا
علیه است
۱۲

۲۲۹۹

DUE DATE

۴۱۰

۲۲۹۹

۹۵۲۲

۴۱۰

بابی در حال طب

Date	No.	Date	No.

۹۵۲۲

